



# غَدِير

## عید بزرگ اسلام



این حج به حجة الوداع معروف است زیرا رسول اکرم صلی الله علیه وآله در این حج با امت خویش وداع کرد یا از اینرویی به آن حجة الوداع می گویند که آخرین حج آن حضرت بود.

### داستان غدیر

در بازگشت از مکه روز هجدهم ذیحجه به منطقه غدیر خم رسیدند. غدیر موضعی را می گویند که در آن آب باران بر زمین باقی می ماند و چنین موضعی در آن صحرای سوزان اهمیت بسیاری دارد. از آن موضع قافله های حجاج به راههای مختلف، متفرق می شدند. و چون رسول خدا صلی الله علیه وآله به آن موضع رسید فرمان تبلیغ ولایت و تائید براهمیت آن و تهدید که اگر آن را ترک کنی هیچ مأموریتی را انجام نداده ای و تضمین حفاظت از بدخواهان بر آن حضرت نازل شد. «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس...» ای فرستاده خدا برسان آنچه پروردگارت بر تو فرو فرستاده است و اگر این کار نکنی رسالت او را انجام نداده ای و خداوند تو را از مردم نگه خواهد داشت.

بدون شک منظور از این تبلیغ، کل تعالیم اسلام نیست و گرنه جمله تهدید بی معنی خواهد بود زیرا فرقی میان شرط و جزا در این صورت باقی نمی ماند و معنای جمله چنین می شود: رسالت را تبلیغ کن که اگر نکنی رسالت را تبلیغ نکرده ای و این معنای صحیحی ندارد بنابراین باید منظور تبلیغ یک امر بسیار مهم باشد که اساس و پایه دین بر آن استوار است و اگر انجام نپذیرد همه تلاش و تبلیغ بیهوده خواهد بود زیرا آن امر پایه بقاء دین و ضامن تداوم شریعت است پس بدون آن گویا هیچ تبلیغی صورت نگرفته و شریعتی بر پا نشده است. و آن امر بدون شک تعیین رهبر آینده مسلمانان است.

و اما تضمین حفاظت که در تبلیغ سایر اصول شریعت نیازی نداشت برای این است که این امر، حقد و حسد عده ای را برمی انگیزد و برخی دیگر را به سوء ظن وامی داشت زیرا امیرالمؤمنین علیه السلام با آن سوابقی که در جنگها داشت و گردنکشان عرب را به خاک مذلت افکنده بود مورد خشم و کینه سران آنها بود زیرا آنان از ترس تسلیم شده بودند و ایمانی نداشتند و از سوی دیگر او نزدیکترین افراد به حضرت رسول صلی الله علیه وآله بود و این موجب سوء ظن افراد ساده دل می شد که زمینه مناسبی برای تحریکات دشمنان و بدخواهان به وجود می آورد. رسول خدا صلی الله علیه وآله از این بیم داشت که تبلیغ چنین امری عواقب نامطلوبی داشته باشد و لذا خداوند او را مطمئن ساخت که از شر بدخواهان

روز غدیر از بزرگترین ایام تاریخ اسلام است. در آن روز فرخنده خداوند نعمت را بر مسلمانان تمام کرد و ارکان دین را محکم و استوار نمود و پیامبری را به امامت پیوست و تشنگان را به غدیر گوارای ولایت راهنمایی فرمود و رهبر آینده مسلمانان را معرفی کرد و فرزند کعبه را بر فراز منبر امامت قرار داد.

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم در مناسبتهای مختلف، امامت و خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به مردم اعلام می فرمود ولی برای تشبیه این امر لازم بود یک اعلام عمومی شود بخصوص با توجه به ازدیاد روزافزون عدد مسلمانان و انتشار آنان در سرزمینهای مختلف و لذا در آخرین سال دوران رسالت، پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه وآله اعلام حج فرمود. حج بهترین مجمع برای ابلاغ چنین امر سرنوشت سازی به تمام مسلمانان است پیامبر از روز مهاجرتش به مدینه موفق به انجام حج نشده بود زیرا مکه در اشغال دشمنان بود، اکنون که همه اطراف جزیره العرب تحت قدرت و سلطه آن حضرت است، فرصتی است مناسب برای یک حج عمومی. فرستادگان از هر سوی کشور اسلامی مردم را به حج با رسول خدا صلی الله علیه وآله دعوت کردند. مردم پیاده و سواره اطراف رکاب آن حضرت را گرفتند و حسی بی نظیر در آن دوران انجام گرفت. گفته می شود یکصد و چند هزار نفر با آن حضرت حرکت کردند و این عدد بجز آنان است که بعداً به آن حضرت پیوستند.

نگهداریش خواهد نمود. «والله بعصمك من الناس».

پس فرمان داد تا آنان که گذشته اند برگردند و درنگی نمود تا آنان که نرسیده اند برسند. همه از خود می پرسیدند: در این آفتاب سوزان و ریگهای تفتیده که حاجیان از شدت گرما بر سایه شتران پناه برده اند و ردای خود را زیر پا کشیده اند، چه امر مهمی رهبر مسلمانان را واداشته که همه را جمع کند و در این سرزمین نگه دارد؟! ..

رسول خدا صلی الله علیه وآله دستور داد تا در موضعی که چند درخت بزرگ و تنومند در آن بود، منبری از جهاز شتران تهیه نمودند و سایبانی فراهم آوردند. پس از نماز ظهر حضرتش با صدای بلند برای آن جمعیت انبوه خطبه ای بسیار مهم و سرنوشت ساز ابراد فرمود و در آن خطبه گفت: هر پیامبری بمقدار نیمه ای از عمر پیامبر پیشین زندگی خواهد کرد و من نزدیک است که دعوت حق را اجابت نمایم. من مسئولم و شما نیز مورد سؤال قرار خواهید گرفت، پس چه خواهید گفت؟! گفتند: ما شهادت می دهیم که تو رسالتت را به انجام رساندی و خیرخواه مردم بودی و زحمت بسیار کشیدی؛ خداوند جزای خیرت

کوتاهی نکند که هلاک می شوید.

سپس دست امیرالمؤمنین علی علیه السلام را گرفت و چنان بلند کرد که زیر بغل هر دو نمایان شد و همه مردم او را شناختند و جایی برای تردید باقی نماند. پس فرمود: ای مردم آیا من اولی به مؤمنین از خود آنها نیستم؟! (اشاره به آیه کریمه النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم که دلالت بر ولایت مطلقه آن حضرت دارد) گفتند: چرا هستی. سه بار این سؤال و جواب تکرار شد و چون موضوع را مشخص نمود فرمود: «پس هر که من مولای اویم علی نیز مولای او است. خداوندا دوست دوستان و دشمن دشمنانش باش. هر که او را یاری کند یاریش فرما و هر که او را واگذارد او را واگذار. هان! ای حاضران به غائبان نیز اطلاع دهید».

این حادثه عظیم را هزاران نفر شاهد بودند و اکثر آن را نقل کردند به گونه های مختلف که اختلاف راویان تاثیری در معنی ندارد بخصوص جمله «من كنت مولاه فعلي مولاه» که بدون شک از جملاتی است که بطور تواتر قطعی از رسول خدا صلی الله علیه وآله

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَةَ اللَّهِ وَبَعْضُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا

دهد.

فرمود: آیا شهادت نمی دهید به وحدانیت خدا و این که من بنده و فرستاده اویم و این که بهشت و دوزخ و مرگ حق است و این که قیامت بدون شک بر پا خواهد شد و خداوند مردگان را خواهد برانگیخت. گفتند: چرا شهادت می دهیم.

فرمود: خدا یا! شاهد باش. سپس صدا برآورد: آیا همگی صدایم را می شنوید؟ گفتند: آری. فرمود: من پیش از شما بر حوض کوثرم و شما نیز بر آن وارد خواهید شد (یعنی شما را ملاقات خواهم کرد و چنین نیست که تا ابد رو در روی شما قرار نگیرم) پس توجه کنید که چه رفتاری با دو چیز مهم و ارزشمند که در میان شما باقی می گذارم خواهید داشت.

پرسیدند: ای رسول خدا آن دو چیز چیستند؟ فرمود: آن یکی که بزرگتر است کتاب خدا است که رابطه خداوند با شما می باشد، به آن دست آویزید تا گمراه نشوید و آن دیگری عترت و اهل بیت من است که خداوند به من فرموده از قرآن جدا نخواهند شد تا مرا در قیامت ملاقات کنند. بر این دو چیز سبقت نگیرید که هلاک می شوید و در حق آنها

نقل شده و هیچکس را یارای تکذیب آن نیست.

هنوز مردم متفرق نشده بودند که جبرئیل امین نازل شد و این آیه را بر خواند: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» امروز دین شما را به کمال رساندم و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان یک دین الهی برگزیدم. شگفتا تا آن روز دین کامل نشده بود و نعمت رسالت ناتمام بود و حتی شریعت به عنوان یک شریعت پابرجا ثبت نشده بود. آیا حادثه ای از این عظیمتر در تاریخ اسلام سراغ دارید؟!.

پس رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود تا خیمه ای را بر پا داشتند و مردم را فرمان داد تا با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کردند همه اصحاب و یاران پیامبر صلی الله علیه وآله با آن حضرت بیعت نمودند که در میان همه جمله ای از عمر در تاریخ بطور مسلم ثبت است که به آن حضرت خطاب کرد: به به! ای پسر ابوطالب! مولای من و مولای هر مؤمن و مؤمنه ای گشتی. حسان بن ثابت شاعر از رسول خدا صلی الله علیه وآله اجازه خواست و اشعار جالبی در این زمینه

سرود که بی شک نشانه تسلیم همگان در برابر ولایت و خلافت آن حضرت است.

حسان بن ثابت در قسمتی از اشعار خود چنین گوید:

بِنَادِيهِمْ يَوْمَ الْعَدْبِ نَسِيهِمْ      بَحْمٌ وَأَسْمَعُ بِالرَّسُولِ مَنَادِيَا  
فَقَالَ لِمَنْ مَوْلَاكُمْ وَنَسِيَكُمْ      فِقَالُوا وَلَمْ يُبَدُوا هُنَاكَ التَّعَايَا  
الْهَيْكُ مَوْلَانَا وَأَنْتَ نَسِينَا      وَلَمْ نَلْقُ مَنَافِي الْوَلَايَةِ عَاصِيَا  
فَقَالَ لَهُ قِم يَا عَلِيَّ فَنَاسِي      رَضِيْتِكَ مِنْ بَعْدِي إِمَاماً وَهَادِيَا  
فَمَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَهَذَا وَلِيَّتَهُ      فَكُونُوا لَهُ أَبْنَاءَ صِدْقِ مَوَالِيَا  
هُنَاكَ دَعَا النَّهْمِ وَالْوَلِيَّتَهُ      وَكُنْ لَلَّذِي عَادِي عَلِيًّا مَعَادِيَا

ویکی از شعرای ایرانی، ترجمه این اشعار را به نظم درآورده است:

بیمبر پاک رای، به امر حجتی فدبر  
بشنو زان پیشوا ندای بس دلپذیر  
که جبرئیلش ستود بعصمت بی نظیر  
کاکنون، باید کنی بدون سستی بیان

امر خدا را بخلق نترسی از دشمنان

سپس بپاخواست آن مظهر خلق عظیم  
دست علی را گرفت چون بدیها کلیم  
بانگ رسایش دمید روح به عظم رصم  
بانگی بس دلگرا فوول رسول کریم  
گفت که هر کس منم به جان و مالش ولی  
هست و را بعد من ولی و مولی علی

راهنمای شما علی بود بعد من  
علی بود پیشوا بر همه از هر دو وزن  
بار خدایا تویی به این رسالت گواه  
که من نمودم عیان بر همگان شاهراه

ابندم آن شاه دین گشود دست دعا  
که بارالها تو باش دوست به اهل ولا  
دشمن او را عدو تو باش بی منتها  
بار خدایا به لطف باش و راست گوی  
تا کند اندر جهان جلوه چو بزمینیر

### دشمنی با غدیر

دریغ! دیری نپاید که اکثر آن بیعت را چنان فراموش کردند که گویا چنین حادثه‌ای رخ نداده کینه‌ها و حسدها در سینه آن مردم به جوش آمد. دشمنی نیز همانند دوستی چشم را کور و گوش را کر می‌کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام مکرر از صحابه می‌پرسید آیا آن روز را به یاد دارید؟ و همگی با سرافکنندگی پاسخ مثبت می‌دادند. در روایت است که انس بن مالک گفت: من پرسیده‌ام و از یادم رفته است. حضرت دعا کرد و گفت: خدایا اگر دروغ می‌گویند درد

زشتی بر او نازل کن که نتواند بپوشاند. و او به بیماری پسی مبتلا شد که تا پیشانی او را فرا گرفت.

همان روز نیز برخی از دشمنان از اظهار کینه خودداری نکردند. حارث فهری با گستاخی از رسول خدا صلی الله علیه وآله پرسید: آیا این امر از جانب خدا است یا از پیش خود تصمیم گرفته‌ای؟ فرمود: این امر خدا است. تا بخورد بدبخت در حالی که پشت کرده بود گفت: خدایا اگر از سوی تو است عذابی بر ما نازل کن. و هنوز لختی نگذشته بود که سنگی بر سرش فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.

پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله حجت را بر مردم تمام کرد تا هر که راه را بخوهد بیابد «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنِ بَيْتِنَا وَيُحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَنِ بَيْتِنَا». جمعیت مسلمانان بحدی بود که هیچکس را یارای انکار و عدم اطلاع نبود. دستور لزوم ابلاغ به غایبان نیز داده شد؛ ولی انسان منحرف برای پیروی از خواهشهای نفسانی خویش دستاویزی می‌جوید هر چند بداند که نادرست است و همواره سعی می‌کند که خود را به تفکر در آن و انذار. دیده را برهم نهند و گفتند: این همه مقدمات و این همه تأکید فقط برای این بوده است که مردم را به دوستی با علی علیه السلام دعوت نمایند!! گویا دوستی با دعوت و دستور محقق می‌شود. تازه همان را نیز عمل نکردند و سالیان دراز بر فواز منابر و مناظر آن حضرت را دشنام دادند و نفرین نمودند.

### اعلام عید

ائمه اطهار علیهم السلام برای زنده نگه داشتن این حادثه، روز غدیر را از بزرگترین اعیاد اسلامی اعلام نمودند. بلکه این مطلب از رسول خدا صلی الله علیه وآله نیز نقل شده است. در روایت است که آن حضرت فرمود: روز غدیر بزرگترین اعیاد امت من است. روزی است که خداوند برادرم علی را پرچم هدایت امت قرار داد و دین را کامل و نعمت را تمام نمود و اسلام را برگزید. (بحار ج ۳۷ ص ۱۰۹) امام باقر (ع) فرمود: شیطان در چهار روز نالید: روزی که لعن شد و روزی که از آسمان اخراج شد و روزی که رسول خدا صلی الله علیه وآله و روز غدیر. (بحار ج ۳۷ ص ۱۲۱).

حسن بن راشد گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا برای مسلمانان عیدی غیر از فطر و اضحی هست؟ فرمود: آری اعظم و اشرف از آنها. گفتم: کدام روز؟ فرمود: روزی که امیرالمؤمنین علیه السلام بعنوان رهبر مسلمانان نصب شد. و نظیر آن را نیز دیگران نقل کرده‌اند. و برای این روز اعمالی نیز از ائمه علیهم السلام روایت

# يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ

است که هر دستوری دهد باید اجرا شود. او حاکم علی الاطلاق و ولی مسلمین و رهبر جامعه است. بنابراین راهی برای تاویل این جمله و نادیده گرفتن واقعه غدیر و توجیه کارپیشیان نیست، و باید هر مسلمان متصفانه بیانیدش و راه را از چاه تشخیص دهد. «وان هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه ولا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیله».

## ولایت فقیه

امروز بحمدالله از آن ولایت پربرکت شمره ای شیرین و گوارا نصیب ملت مسلمان ایران که اکثریت قاطع آن پیرو آن ولی الله اعظم اند، شده است. باید براین نعمت الهی شکرگزار باشیم و قدر آن را بدانیم.

ولایت فقیه چیزی در مقابل ولایت اهل بیت نیست بلکه عین آن است فقیه بعنوان نایب، احکام آنها را جاری می کند و مردم را به پیروی از آنان می خواند و ولایت ولی عصر عجل الله فرجه را عملی می سازد پس همان درجه از اهمیت را دارا است و هرکس از این ولایت الهی روی گردان باشد هیچ عملی از او پذیرفته نیست و به همین دلیل فقها نقض حکم حاکم شرع یعنی مجتهد جامع الشرایط را جایز نمی دانند زیرا در روایت آمده است: «الراد علیهم کالراد علینا والراد علینا کالراد علی الله وهو فی حد الشریک بالله». آن کس که حکم ولی فقیه را رد کند حکم ما را رد کرده و آن که حکم ما را رد کند حکم خدا را رد کرده و او در مرتز شرک است. و بدون شک هیچ عملی از مشرک پذیرفته نیست.

اکنون در زمان ما روشن شده است که ولایت عادل آگاه چه نقش اساسی در نگهداری دین دارد و چگونه مردم را از انحراف به چپ و راست باز می دارد و چگونه مرزهای اسلام را حفظ می کند و اصول شریعت را بر پا می دارد. وه چه کورند کینه توزانی که این همه تغییر و تحول را نمی بینند و با دست آویز قرارداددن برخی نارسائیا یا اشتباهات متفرقه که حتی در دوران رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز از مسئولین دیده می شد به نام دین تیشه بر ریشه اش می زنند و ندانسته دعوت به ولایت غاصبان ولایت می کنند.

شده است که تفصیل آن در کتب ادعیه آمده است. همه اینها برای اهمیت دادن به اصل ولایت است.

## اهمیت غدیر

اهمیت غدیر به دلیل اهمیت اصل ولایت است که ثبات و بقاء دین موقوف بر آن است زیرا آن بزرگترین پایه دین است. روایات بسیاری در این زمینه وارد شده که صاحب وسائل «ره» آنها را در اول کتاب وسائل نقل کرده است. امام باقر علیه السلام فرمود: «پایه های اسلام پنج چیز است: نماز، روزه، حج، زکات و ولایت. و مردم به چیزی خوانده نشده اند آن گونه که به ولایت خوانده شده اند». سایر روایات نیز به همین مضمون است.

بدون شک مسائل اسلام بسیار زیادتر از این چند چیز است ولی همه آنها در ولایت داخل است مثلاً جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، و... همه از شئون ولایت است. در روایت معتبر است که آخرین فریضه الهی ولایت است و پس از آن فریضه ای نازل نشده (بخارج ۳۷ ص ۱۱۲).

و در روایت دیگر است که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وحی نازل شد که من نماز و زکات و روزه و حج را بر شما فرستادم و اکنون ولایت علی علیه السلام را می فرستم و این پنجمین است و من آن چهار را بدون این پنجم نمی پذیرم.

## ولایت مطلقه

از مجموع این روایات به دست می آید که منظور از پایه های دین، فرائض الهی است. احکام اسلام متشکل از فرائض الهی و سنن رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و بحث در فرق اساسی میان این دو نوع تشریح مفصل است و این مقاله را گنجایش آن نیست. منظور فقط توضیح این مطلب بود که چرا این پنج چیز را پایه های دین شمرده اند. ولی نکته اساسی همین است که اصل ولایت مهمترین اصل دین و بالاترین فریضه الهی است و بدون آن هیچ عملی از انسان پذیرفته نیست. اشتباهی بسیار بزرگ است اگر کسی تصور کند که منظور از ولایت علی علیه السلام دوستی و محبت با او است و اکمال دین و اتمام نعمت، معرفی او به عنوان یک چهره محبوب و دوست داشتنی است !!!

مقدمه ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای جمله «من کنت مولاه فعلی مولاه» ذکر فرمود، گویای صریحی است که مراد اولویت آن حضرت از مؤمنان بر خود آنها است و این معنای ولایت مطلقه